بررسی ارتباط محدودیت مالی و راهبرد مالیاتی متهورانه

زهره حاجیها[1]
الهام قنواتی[2]
مریم بحرینی[3]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۲

چکیده

مالیات هزینه‌ای است که بر کلیه واحدهای انتفاعی از جانب دولت تحمیل می‌شود و استراتژی مالیاتی کاهش آشکار مالیات تعریف می‌شود. هدف از این پژوهش، بررسی ارتباط بین محدودیت‌های مالی و استراتژی مالیاتی جسورانه است. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۸۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ بررسی شده است. معیارهای مورد استفاده جهت سنجش استراتژی مالیاتی جسورانه، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی می‌باشد. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل‌های رگرسیون چند متغیره در قالب روش داده‌های پانل تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج حاکی از وجود ارتباط مثبت بین محدودیت‌های مالی و استراتژی مالیاتی جسورانه می‌باشد، به این معنی که وقتی شرکت‌ها در محدودیت مالی قرار دارند، نسبت به سایر شرکت‌هایی که دسترسی بهتری به بازار سرمایه دارند، انگیزه بیشتری دارند که برای تأمین منابع مالی از پرداخت مالیات اجتناب کنند.

واژه‌های کلیدی: استراتژی مالیاتی جسورانه، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات، محدودیت‌های مالی، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی

۱. دانشیار گروه آموزشی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق (نویسنده مسئول) drzhajiha@gmail.com
۲. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه پیام نور، دانشکده مدیریت، تهران elham.ghanavati67@yahoo.com
۳. مدرس حسابداری، آموزشکده حضرت فاطمه (س)، کرمان Maryam_bahreini@yahoo.com

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۱- مقدمه

استراتژی مالیاتی جسورانه به عنوان استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، برای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهای قانونی تعریف می‌شود (پسترناک و ریکو، ۲۰۰۸). اجتناب از پرداخت مالیات، رفتاری قانونی است؛ یعنی مؤدیان مالیاتی با استفاده از روزنه‌های قوانین مالیاتی و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود، تلاش می‌کنند بدهی مالیاتی‌شان را کاهش دهند.

پرداخت مالیات سبب خروج جریان‌های نقدی شرکت می‌شود. به‌همین منظور سرمایه‌گذاری در برنامه‌های مالیاتی همیشه در کانون توجه مدیران شرکت‌ها بوده است. این برنامه‌ها می‌تواند دامنه‌ای از سیاست‌های محافظه‌کارانه مالیاتی مانند هموارسازی سود تا سیاست‌های متهورانهٔ مالیاتی همچون راهبردهای اجتناب از پرداخت مالیات را پوشش دهد. سیاست‌های متهورانهٔ مالیاتی اغلب با هزینه‌ها و منافعی همراه است. یکی از این منافع، افزایش در ارزش شرکت پس از پرداخت مالیات است؛ موضوعی که همواره مورد توجه سرمایه‌گذاران و سهامداران بوده است. یکی از ریسک‌های بالقوهٔ شرکت‌ها در اتخاذ سیاست‌های متهورانه مالیاتی، ورود ناآگاهانه به قلمرو اجتناب از پرداخت مالیات است که خط قرمز مأموران مالیاتی است و ممکن است به کاهش اعتبار مدیران و حتی کاهش ارزش سهام شرکت منجر شود (چن و زولوتوی، ۲۰۱۴). در نتیجه استراتژی مالیاتی جسورانه، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت ها است (خدامی‌پور و امینی‌نیا، ۱۳۹۲).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند شرکت‌هایی که با محدودیت مالی بیشتری روبه‌رو هستند، انگیزه بیشتری برای تأمین منابع مالی از طریق اجتناب مالیاتی دارند (چن و لای، ۲۰۱۲). بنابراین در تحقیق حاضر به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا ارتباط معنی‌داری بین محدودیت مالی و استراتژی مالیاتی جسورانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد؟ بر اساس بررسی‌های انجام شده هیچ پژوهشی تاکنون به این موضوع نپرداخته است، عواملی مانند تأثیر حساسیت پاداش مدیران، ویژگی‌های هیئت مدیره، ساختار مالکیت و حاکمیت بر استراتژی مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است، اما از رویکرد محدودیت مالی تاکنون این بررسی انجام نشده است.

در این پژوهش بعد از ارائه مقدمه در بخش اول، در بخش دوم به پیشینه نظری و تجربی پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش، مدل و متغیرها در بخش سوم مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش چهارم به نتایج حاصل از تخمین مدل پژوهش پرداخته است و در پایان در بخش پنجم به نتیجه‌گیری ارائه شده است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۲- پیشینه نظری

یکی از اهداف مهم تأمین مالی انجام سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها برای سودآوری بیشتر است. مدیران شرکت‌ها به‌منظور حداکثر کردن ارزش شرکت به‌دنبال اجرای سرمایه‌گذاری‌های سودآور می‌باشند. انجام پروژه‌های سودآور مستلزم تأمین مالی برای اجرای پروژه‌ها است. طرق مختلف تأمین مالی شامل تأمین مالی داخلی و خارجی و یا ترکیبی از این دو است. باید توجه داشت که تأمین مالی توسط شرکت‌ها نامحدود نیست و شرکت‌ها از این بابت دارای محدودیت‌های تأمین منابع مالی هستند. شرکت‌هایی را واجد محدودیت مالی می‌نامند که دارای دسترسی پایین و پر هزینه به منابع تأمین مالی خارجی باشند (عرب‌صالحی و اشرفی، ۱۳۹۰).

شرکتی که در دسترسی به منابع خارجی بازار سرمایه با مشکلات بیشتری مواجه باشد، بخش بیشتری از منابع مالی مورد نیاز خود را از منابع داخل شرکت تأمین می‌کنند. چنین شرکتی اصطلاحاً شرکت دچار محدودیت مالی نامیده می‌شود. شرکت‌ها زمانی در محدوده تأمین مالی بوده که بین هزینه‌های داخلی و هزینه‌های خارجی وجوه تخصیص داده شده، با یک شکاف روبه‌رو باشند (ارسلان و همکاران، ۲۰۰۶). محدودیت‌های مالی به دو دسته محدودیت‌های مالی داخلی و خارجی قابل تقسیم می‌باشند. محدودیت‌های مالی داخلی محدودیت‌هایی هستند که در ارتباط با منابع (وجوه نقد) داخل واحد تجاری مطرح بوده و محدودیت مالی خارجی محدودیت‌هایی هستند که در ارتباط با منابع مالی خارج از واحد تجاری بوده و از طریق انتشار سهام، اوراق قرضه و... حاصل می‌شود (کاشانی‌پور و تقی‌نژاد، ۱۳۸۸).

مالیات متعلقه به سود شرکت‌ها، هزینه قابل توجهی را به شرکت و سهامداران تحمیل می‌کند. تحت قوانین موجود مالیاتی، شرکت‌های تجاری بخش قابل توجهی از سود حاصله خود را باید به دولت پرداخت کنند که این موضوع باعث کاهش بازده مالکان می‌شود و این امر رغبت سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. مدیریت برای کاهش انتقال منابع مالکان به دولت و تعدیل هزینه مالیات، اقدام به اجرای برنامه‌های استراتژی مالیاتی جسورانه می‌کنند. این امر منجر به افزایش ثروت و بازده مالکانه خواهد شد (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). به بیانی دیگر، باتوجه به اینکه یکی از اهداف اصلی مدیران و سهامداران در شرکت، حداکثر کردن ثروت سهامداران است و سهامداران با استفاده از ساز و کارهای مختلفی به دنبال تحقق این موضوع و نظارت بر مدیران هستند، پس می‌توان انتظار داشت که یکی از انگیزه‌های اصلی استراتژی مالیاتی جسورانه توسط مدیران، تحقق هدف حداکثرسازی ثروت سهامداران باشد. بنابراین، استراتژی مالیاتی جسورانه فرآیندی است که از طریق آن شرکت‌ها اقدام به کاهش پرداخت‌های ناشی از مالیات بر

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

درآمد به سازمان مالیاتی می‌کنند.

پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت از جمله سهامداران می‌شود. از این‌رو به‌طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن، اقداماتی را جهت استراتژی مالیاتی جسورانه انجام دهند (ادواردز و همکاران، ۲۰۱۴؛ فروغی و محمدی، ۱۳۹۲). بر اساس این مفهوم، دیرینگ و همکاران (۲۰۰۷)، استراتژی مالیاتی جسورانه را به عنوان "توانایی پرداخت مقدار کمی از مالیات بر درآمد نقدی نسبت به سود قبل از مالیات شرکت تعریف کرده‌اند".

به‌طور کلی دو دیدگاه پیرامون تحقیقات تجربی در مورد فعالیت‌های استراتژی مالیاتی جسورانه وجود دارد: دیدگاه نخست این است که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه‌جویی وجه نقد، فعالیت‌های استراتژی مالیاتی جسورانه را انجام می‌دهند. بنابراین، از منظر سرمایه‌گذاران، استراتژی مالیاتی جسورانه، افزایش دهنده ارزش شرکت است و مدیران برای به کار بستن چنین فعالیت‌هایی باید تشویق شوند و پاداش بگیرند.

دیدگاه دوم به مسأله نمایندگی مربوط می‌شود که در این حالت، استراتژی مالیاتی جسورانه به‌عنوان ابزار ایجاد سپر برای فرصت‌طلبی و انحراف منافع توسط مدیران است (نظریه فرصت‌طلبی مدیریتی). دسای و دارماپالا (۲۰۰۹)، رفتار استراتژی مالیاتی جسورانه را با در نظر گرفتن تضاد منافعی که در نتیجه جدایی مالکیت و کنترل و استراتژی اجتناب از پرداخت مالیات ایجاد می‌شود، مورد بررسی قرار دادند. این محققان بیان کردند که استراتژی‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق است که این کار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق از ممیزان مالیاتی صورت می‌پذیرد. در نتیجه، اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد منافع را از شرکت خارج کنند.

یکی از راه‌هایی که شرکت‌ها می‌توانند میزان وجه نقد خود را بدون نیاز به منابع خارجی افزایش دهند، فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی است. شرکت‌ها استراتژی مالیاتی جسورانه را به‌منظور ایجاد سرمایه‌های داخلی اضافی در پاسخ به محدودیت‌های مالی در اقتصاد کلان افزایش می‌دهند. استراتژی مالیاتی جسورانه را می‌توان به‌عنوان یک منبع برای تأمین مالی برشمرد. از آنجا که منابع تأمین مالی از طریق بدهی و حقوق صاحبان سهام در روش سنتی اغلب در طول دوره‌های محدودیت‌های مالی پر هزینه‌تر و یا دسترسی به آن دشوارتر است، شرکت‌ها به دنبال منابع جایگزین برای سرمایه هستند. سرمایه می‌تواند از طریق استراتژی مالیاتی جسورانه با کاهش گزارش درآمد مشمول مالیات یا افزایش اعتبار مالیاتی و در نتیجه کاهش مالیات نقدی پرداختی حاصل شود (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۲). صرفه‌جویی ناشی از فعایت‌های اجتناب از

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

پرداخت مالیات می‌تواند منبع ارزشمندی برای ضعف مالی شرکت باشد و تأمین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد (چن و لای، ۲۰۱۲).

زمانی که بین هزینه تأمین مالی داخلی و خارجی اختلاف زیادی وجود داشته باشد، آن شرکت از نظر مالی محدودیت بیشتری دارد. از دلایل عمده اختلاف بین هزینهٔ تأمین مالی داخلی و خارجی، عدم تقارن اطلاعاتی (عدم تقارن اطلاعاتی زمانی به وجود می‌آید که یک یا چند سرمایه‌گذار، اطلاعات خصوصی مربوط به ارزش شرکت را در اختیار دارند) و مشکلات نمایندگی (مشکلات نمایندگی ناشی از جدا سازی مالکیت و کنترل است) را می‌توان نام برد (اوزکان و اوزکان، ۲۰۰۴).

در حالت کلی شرکت‌های بدون محدودیت مالی آنهایی هستند که به‌طور نسبی از دارایی‌هایی با قابلیت نقدشوندگی بالا برخوردارند و خالص دارایی‌های آنها بالاست. شرکت‌هایی که با محدودیت مالی بیشتری روبه‌رو می‌شوند، نسبت به سایر شرکت‌هایی که دسترسی بهتری به بازار سرمایه دارند، انگیزه بیشتری دارند که برای تأمین منابع مالی از پرداخت مالیات اجتناب کنند. با به‌کارگیری رفتار جسورانه مالیاتی، شرکت‌هایی که از نظر مالی در محدودیت قرار دارند می‌توانند وجه نقد بیشتری را صرفه‌جویی کنند و این شرکت‌ها تمایل دارند که از وجه نقد صرفه‌جویی شده برای رفع مشکل سرمایه‌گذاری استفاده کنند (چن و لای، ۲۰۱۲).

از جمله عوامل تأثیرگذار دیگر بر رفتار جسورانه مالیاتی، می‌توان به نرخ بازده دارایی‌ها، انحراف استاندارد نرخ بازده دارایی‌ها، اندازهٔ شرکت، اهرم مالی، رشد فروش شرکت و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار اشاره کرد (ادواردز و همکاران، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴).

با توجه به اینکه مالیات، بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود، سودآوری می‌تواند عاملی مؤثر بر رفتار جسورانه مالیاتی شرکت‌ها باشد؛ زیرا هرچه سود یک بنگاه بیشتر باشد، قاعدتاً هزینه مالیات بیشتری خواهد داشت (چایز و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج مطالعات نشان می‌دهد انحراف استاندارد نرخ بازده دارایی‌ها، رشد فروش شرکت و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار می‌تواند عاملی مؤثر بر رفتار جسورانه مالیاتی باشد (ادواردز و همکاران، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴). مبانی نظری اندازه شرکت، به‌طور عمده بر پایه دو فرضیه هزینه‌های سیاسی و قدرت سیاسی استوار است که رابطه مالیات و اندازه شرکت از مجرای آن‌ها بررسی می‌شود. به موجب تئوری هزینه سیاسی، شرکت‌های بزرگتر و شکوفاتر، قربانی فعالیت دولت‌مردان شده و موظف به انتقال ثروت هستند (واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶). بر اساس این تئوری شرکت‌های بزرگ دارای نرخ مؤثر مالیاتی بیشتری هستند. دیدگاه مقابل مبتنی بر نظریه قدرت سیاسی است که بیان می‌دارد شرکت‌های

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

بزرگتر، نرخ مؤثر مالیاتی پایین‌تری دارند، زیرا آن‌ها دارای منابع ذاتی و اساسی هستند و فرآیندهای سیاسی را از طریق شرکت در برنامه‌ریزی مالیاتی و سازمان‌دهی کردن خود برای نیل به صرفه‌جویی مالیاتی بهینه، به نفع خود مدیریت کنند (زیگفرید، ۱۹۷۴).

۳- پیشینه تجربی پژوهش

چن و لای (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط بین محدودیت مالی و استراتژی مالیاتی جسورانه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که با محدودیت مالی بیشتری روبه‌رو هستند انگیزه بیشتری دارند که برای تأمین منابع مالی از پرداخت مالیات اجتناب کنند.

بالاکریشنان و همکاران (۲۰۱۲)، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. این محققان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران به عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌هایی با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند.

زمرم و فتوحی (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر استراتژی مالیاتی جسورانه در شرکت‌های فرانسوی در دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج تحقیق آنها حاکی از این بود که اندازه و درصد حضور زنان در هیأت مدیره بر استراتژی مالیاتی جسورانه تأثیر دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان‌دهنده این بود که اندازه شرکت و بازده دارایی بر استراتژی مالیاتی جسورانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

ادواردز و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی ارتباط بین محدودیت مالی و یک منبع بالقوه وجوه داخلی برای شرکت، یعنی صرفه‌جویی ایجاد شده از طریق برنامه‌ریزی مالیاتی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد شرکت‌هایی که با محدودیت مالی روبه‌رو می‌شوند، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی کمتری نشان می‌دهند.

چن و زولوتوی (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان دادند که تأثیر نقدشوندگی سهام بر دنباله پایینی توزیع اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌هایی که دچار محدودیت‌های مالی اند، کمتر است. همچنین تأثیر نقدشوندگی سهام بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌هایی که از ساز و کار حاکمیت شرکتی قو تری برخوردارند، کمتر است.

ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بین درماندگی مالی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین درماندگی مالی و اجتناب مالیاتی وجود دارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

لی و پارک (۲۰۱۶) به بررسی تعامل بین محدودیت‌های مالی و حاکمیت شرکتی در تعیین سطح نگهداشت وجه نقد پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که حاکمیت شرکتی مشکلات نمایندگی مربوط به سطح نگهداشت وجه نقد را در شرکت‌هایی که با محدودیت مالی کمتر مواجه هستند، کاهش می‌دهد. همچنین نتایج نشان داد شرکت‌هایی که با محدودیت مالی کمتر مواجه هستند، سطح حاکمیت شرکتی را افزایش می‌دهند و استانداردهای حاکمیت شرکتی را اتخاذ می‌کنند.

عرب صالحی و اشرفی (۱۳۹۰) در پژوهشی رابطه بین محدودیت مالی و حساسیت سرمایه‌گذاری جریان نقدی را مورد مطالعه قرار دادند. برای طبقه‌بندی شرکت‌ها در دو گروه دچار محدودیت مالی و فاقد محدودیت مالی، میزان ذخایر نقدی شرکت‌ها را به عنوان متغیر طبقه‌بندی کننده اصلی مورد توجه قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان دهنده نقش مثبت ذخایر نقدی در کاهش حساسیت سرمایه‌گذاری جریان نقدی شرکت‌ها است.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲) به بررسی شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از بین ویژگی‌های خاص شرکت، اندازه شرکت به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین بین نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی ثابت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ای مثبت و معنادار مشاهده شد.

بحری ثالث و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان ویژگی‌های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه به بررسی این موضوع پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بین برخی از ویژگی‌های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود دارد و بین برخی دیگر رابطه معناداری وجود ندارد.

خدامی‌پور و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان نگه‌داشت وجه نقد با لحاظ شرایط محدودیت مالی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که بین اجتناب از پرداخت مالیات و نگه‌داشت وجه نقد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر نتایج تحقیق نشان داد شرکت‌هایی که از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند، میزان وجه نقد بیشتری دارند. همچنین در شرکت‌هایی که با محدویت مالی روبه‌رو هستند، این رابطه قوی‌تر است.

علیزاده و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین نقدشوندگی سهام و اجتناب مالیاتی با درنظر گرفتن دو قید حاکمیت شرکتی و محدودیت‌های مالی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین نقدشوندگی سهام و اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد. ارتباط بین نقدشوندگی سهام و اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌هایی که از محدودیت‌های مالی

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

بیشتری برخوردارند، قوی‌تر از شرکت‌هایی است که محدودیت‌های مالی کمتری دارند. همچنین تأثیر نقدشوندگی سهام بر اجتناب از پرداخت مالیات، در شرکت‌هایی که در سطوح پایین حاکمیت شرکتی قرار دارند، تقویت می‌شود.

ملانظری و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی رابطهٔ فرهنگ سازمانی و تمکین مالیاتی شرکتی پرداختند. در این پژوهش برای سنجش فرهنگ سازمانی، از پرسشنامهٔ فرهنگی هافستد و برای اندازه‌گیری تمکین مالیاتی شرکتی، از معیاری مبتنی بر تفاوت مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌ها استفاده شده است. نمونهٔ آماری پژوهش، ۶۵ شرکت از شرکت‌های ادارهٔ کل امور مالیاتی مؤدیان بزرگ طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ است. نتایج نشان داد فرهنگ سازمانی بر تمکین مالیاتی شرکتی اثر شایان توجهی دارد و تمکین مالیاتی شرکت‌ها، از طریق اجتناب از عدم اطمینان کم، فردگرایی زیاد، مرد گرایی زیاد و فاصلهٔ قدرت کم مشخص می‌شود.

۴- فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به مبانی نظری پژوهش و تحقیقات انجام شده، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اصلی:

بین محدودیت مالی و استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

۱. بین محدودیت مالی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات رابطه معناداری وجود دارد.

۲. بین محدودیت مالی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه معناداری وجود دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات تجربی است. باتوجه به عدم امکان کنترل کلیه متغیرهای نامربوط، پژوهش از نوع تجربی محض نیست، لذا شبه تجربی است. باتوجه به اینکه داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، اطلاعات واقعی و تاریخی است، روش شناسی پژوهش از نوع پس رویدادی است. داده‌های مورد نیاز برای انجام این پژوهش، از پایگاه داده تدبیر پرداز و صورت‌های مالی شرکت‌ها بدست آمده است. این داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار ای‌ویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ در بورس فعال بوده‌اند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش حذف سیستماتیک می‌باشد

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

و شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نبوده‌اند از نمونه آماری کنار گذاشته شده‌اند:

جدول (۱)- نحوه انتخاب شرکت‌های مورد مطالعه

ردیف	شرایط	تعداد
۱	تعداد کل شرکت‌های بورسی طی دوره پژوهش	۳۶۳
۲	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها اسفند نیست.	(۸۳)
۳	شرکت‌هایی که سال مالی خود را طی دوره پژوهش تغییر داده‌اند.	(۱۵)
۴	شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و واسطه‌گری مالی	(۱۱۶)
۵	شرکت‌های فاقد اطلاعات کامل	(۶۷)
	جامعه آماری مورد مطالعه	۸۲

منبع: یافته‌های تحقیق

۶- الگوی پژوهش

در این پژوهش از الگوی پژوهشگرانی همانند چن و لای (۲۰۱۲)، ادواردز و همکاران (۲۰۱۳)، ادواردز و همکاران (۲۰۱۴) و خدامی‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، بهره گرفته شده است. الگوی پژوهش به شرح زیر است:

الگوی (۱)

$$Tax_Aggressiveness_{i,t} = \beta0 + \beta1 Constraint_{i,t} + \beta2\ ROA_{t} + \beta3\ ROAVOL_{t-1} \beta4\ SIZE_{i,t} + \beta5\ LEV_{i,t} + \beta6\ SG_{i,t} + \beta7\ BTM_{t-1} + \varepsilon$$

در الگوی شماره (۱) عنوان متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آنها به شرح زیر است:

$Tax_Aggressiveness_{i,t}$: نشانگر استراتژی مالیاتی جسورانه می‌باشد. این متغیر شاخص اندازه‌گیری متغیر وابسته پژوهش است که در این پژوهش دو معیار برای سنجش آن به کار برده می‌شود و به ترتیب زیر بدست می‌آیند:

- **معیار تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD)**: نماینده سنجش فعالیت‌های پرخاشگری مالیاتی (اجتناب از پرداخت مالیات) می‌باشد که از تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات به دست می‌آید که به‌منظور از بین بردن اثر مقیاس، بر دارایی‌های اول دوره تقسیم گردیده است:

$$BTD = \frac{\text{سود ابرازی} - \frac{\text{مالیات قطعی}}{\%۲۵}}{\text{مجموع‌ها دارایی در ابتدای سال}}$$

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

- **معیار نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (CASHERT)**: به‌عقیده دیرینگ و همکاران (۲۰۰۸) مقادیر پایین‌تر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی نشان‌دهنده میزان اجتناب از پرداخت مالیات آتی بیشتر می‌باشد. این معیار از تقسیم مالیات پرداختنی بر سود قبل از بهره و مالیات به دست می‌آید:

$$CASHERT = \frac{\Sigma TAXD}{\Sigma PT} * -1$$

که در آن TAXD بیانگر مالیات نقدی پرداختی و PT سود قبل از بهره و مالیات می‌باشد.

محدودیت‌های مالی ($Constraint_{i,t}$): شاخص اندازه‌گیری متغیر مستقل پژوهش یعنی محدودیت مالی است که خود از طریق دو شاخص در پژوهش به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

- شاخص KZ:

برای تمیز شرکت‌های دارای محدودیت در تأمین مالی از سایر واحدهای تجاری برای آزمون نمودن فرضیه‌ها از شاخص محدودیت در تأمین مالی کاپلان و زیگلاس که توسط تهرانی و حصارزاده در مدل زیر بومی شده است، استفاده می‌شود.

$$KZ_{IR} = 17.330 - 37.486\ C - 15.216\ Div + 3.394\ Lev - 1.402\ MTB$$

که در آن C بیانگر نسبت وجه نقد بر دارایی‌ها، Div سود تقسیمی بر دارایی‌ها، Lev نسبت بدهی به دارایی‌ها و MTB نسبت مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها می‌باشد.

روش استفاده از این شاخص بدین ترتیب است که ابتدا مقادیر واقعی را در معادله شاخص KZ وارد نموده و سپس مقدار KZ محاسبه می‌شود. مقادیر از کوچکترین به بزرگترین مرتب و سپس به پنج قسمت تقسیم شده اند که می‌توان شرکت‌های موجود در پنجک چهارم و پنجم به عنوان محدودیت مالی شناسایی نمود.

- شاخص WW:

شاخص WW که وایت و وو در سال (۲۰۰۶) برای اندازه‌گیری محدودیت در تأمین مالی معرفی نموده‌اند، توسط ابراهیمی کردلر و همکاران در مدل زیر بومی شده است. در این پژوهش برای بررسی بیشتر در کنار شاخص محدودیت مالی کاپلان و زینگلاس، از شاخص وایتد و وو استفاده می‌شود.

$$WW_{IR} = 80.04 - 5.182\ CFO - 0.106\ Div + 5.112\ Lev - 0.662\ LogTA$$

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

که در آن Div بیانگر سود تقسیمی بر دارایی، Lev نسبت بدهی به دارایی‌ها، CFO جریان نقد حاصل از عملیات تقسیم بر جمع دارایی‌ها در انتهای دوره و LogTA لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها می‌باشد.

روش استفاده از این شاخص بدین ترتیب است که ابتدا مقادیر واقعی را در معادله شاخص WW وارد نموده و سپس مقدار WW محاسبه می‌شود. مقادیر از کوچک‌ترین به بزرگترین مرتب و سپس به پنج قسمت تقسیم شده‌اند که می‌توان شرکت‌های موجود در پنجک چهارم و پنجم را به‌عنوان محدودیت تأمین مالی شناسایی نمود.

برای کنترل سایر متغیرهای تأثیرگذار بر استراتژی مالیاتی جسورانه بر طبق پژوهش ادواردز و همکاران (۲۰۱۳) و ادواردز و همکاران (۲۰۱۴) متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای کنترلی معرفی شده‌اند:

ROAt: بیانگر نرخ بازده دارایی‌های شرکت i در سال t می‌باشد که از تقسیم سود قبل از اقلام غیر مترقبه بر متوسط کل دارایی‌ها به‌دست می‌آید (به‌منظور کنترل سودآوری و وضعیت عدم اطمینان فعالیت شرکت).

$ROAVOL_{i,t-1}$: بیانگر انحراف استاندارد نرخ بازده دارایی‌های شرکت i در سال t-1 می باشد این متغیر از طریق انحراف استاندارد نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) محاسبه می‌شود (جهت کنترل سودآوری و وضعیت عدم اطمینان فعالیت شرکت).

$SIZE_{i,t}$: بیانگر اندازه شرکت i در سال t می‌باشد که از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار در پایان سال مالی به دست می‌آید (به‌منظور کنترل هزینه‌های سیاسی استراتژی مالیاتی جسورانه).

$LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t می‌باشد که از طریق تقسیم مجموع بدهی شرکت به کل دارایی‌ها حاصل می‌شود (به‌منظور کنترل بدهی‌های مالیاتی و غیر مالیاتی شرکت).

SGi,t: بیانگر رشد فروش شرکت i در سال t می‌باشد که از طریق فروش امسال منهای فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل حاصل می‌شود.

$BTM_{i,t-1}$: بیانگر نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار می‌باشد که از طریق رابطه زیر بدست می‌آید:

$$BTM_{i,t-1} = \frac{\text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}}{\text{ارزش بازار هر سهم} \times \text{تعداد سهم در پایان دوره}}$$

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

۷- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آماره توصیفی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش برای تعداد ۹۸۴ سال-شرکت می‌باشد. باتوجه به نزدیکی میانه و میانگین در متغیرها می‌توان بیان کرد تمام متغیرهای پژوهش از توزیع آماری مناسبی برخوردارند، همچنین انحراف معیار آنها صفر نیست. بنابراین می‌توان متغیرهای مدّ نظر را در مدل وارد کرد. میانگین تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD)، -0/178 می‌باشد، که نشان‌دهندهٔ این است که به‌طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها کمتر از سود مشمول مالیات آنها می‌باشد. حداقل تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات -0/799 می‌باشد که بیانگر این است که در بعضی از شرکت‌ها سود حسابداری کمتر از سود مشمول مالیات می‌باشد. میانگین نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (CASHERT)، ۰/۱۳۹ می‌باشد. این در حالی است که نرخ مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ۲۲/۵٪ می‌باشد. حداقل نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بیانگر این است که برخی از شرکت‌ها با اینکه سود گزارش می‌کنند، هیچ‌گونه مالیاتی پرداخت نمی‌کنند. متوسط محدودیت‌های مالی (KZ و WW) شرکت‌ها به ترتیب ۱۹/۰۱۲ و ۷۸/۸۷۶ می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون‌های انتخاب نوع مدل

قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، به انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیونی پرداخته شده است. ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل داده‌های ترکیبی انتخاب شده است. نتیجه آزمون F لیمر در جدول شماره ۲ ارائه شده است. مقدار احتمال آماره F لیمر در جدول شماره ۲ کمتر از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ بوده و لذا، برای آزمون فرضیه‌ها استفاده از روش داده‌های ترکیبی مناسب است. به دلیل عدم انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های ترکیبی به انجام آزمون هاسمن به منظور انتخاب الگوی اثرات ثابت ترکیبی در برابر الگوی اثرات تصادفی ترکیبی پرداخته شده است. نتیجه آزمون هاسمن در جدول شماره ۲ ارائه شده است. مقدار احتمال آماره هاسمن در جدول ۲ کمتر از سطح معنی‌داری ۵٪ می‌باشد؛ لذا، دلیل کافی برای رد الگوی اثرات تصادفی وجود دارد و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش بایستی از الگوی اثرات ثابت استفاده کرد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

جدول (۲)- نتایج آزمون F لیمر و هاسمن مدل پژوهش

شرح		آزمون F لیمر			آزمون هاسمن		
	آماره	P- Value	نتیجه	آماره	P- Value	نتیجه	
فرضیه اول	شاخص KZ	۲۴۱/۱۸۰	۰/۰۰۰	داده‌های ترکیبی	۱۲۷/۶۶۵	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
	شاخص WW	۲۳۹/۶۳۸	۰/۰۰۰	داده‌های ترکیبی	۱۲۹/۱۸۵	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
فرضیه دوم	شاخص KZ	۱۳۶/۲۹۲	۰/۰۰۰۱	داده‌های ترکیبی	۲۱/۱۱۶	۰/۰۰۳	اثرات ثابت
	شاخص WW	۱۳۶/۵۲۴	۰/۰۰۰۱	داده‌های ترکیبی	۲۱/۹۲۵	۰/۰۰۲	اثرات ثابت

منبع: یافته های تحقیق

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه فرعی اول پژوهش به این صورت مطرح شده بود که بین محدودیت مالی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات رابطه معناداری وجود دارد. در الگوی رگرسیون فرض شده است که چند متغیر توضیحی وجود دارند که بر روی متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند. نتایج آزمون این فرضیه در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

در جدول شماره ۳ آماره دوربین واتسون با مقدار ۱/۷۲۶ حاکی از آن است که الگو فاقد خودهمبستگی است. هرچند آماره دوربین واتسون فاصله محسوسی با مقدار ۲ دارد. در صورتی که مقدار دوربین واتسون ۲ باشد، همبستگی خطاهای الگوی رگرسیون، صفر است. بنابراین، هرچه مقدار دوربین واتسون، به ۲ نزدیکتر باشد، میزان همبستگی خطاها کمتر است. یکی از مفروضه‌های استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته است. این آزمون در تحلیل رگرسیون با یک آزمون کلی و با آماره F انجام می‌شود. سطح معناداری آماره فیشر (۰/۰۰۰) کوچکتر از سطح خطای قابل قبول، یعنی، ۰/۰۵ است؛ در نتیجه، ضریب کلی آزمون پذیرفته شده است.

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ مشخص گردید که بین محدودیت مالی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات از هر دو معیار محدودیت مالی یعنی شاخص KZ و همچنین شاخص WW رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

جدول (۳)- نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون فرضیه فرعی اول پژوهش

متغیر وابسته: BTD		
نام متغیر	شاخص KZ	شاخص WW
مقدار ثابت	-۰/۱۳۷ (۰/۰۱۹)	۰/۲۵۱ (۰/۰۱۳)
Constraint	۰/۲۳۹ (۰/۰۰۰)	۰/۰۷۷ (۰/۰۰۰)
ROA	۰/۵۶۹ (۰/۰۰۰)	۰/۵۵۷ (۰/۰۰۰)
ROAVOL	-۰/۱۸۱ (۰/۲۴۵)	-۰/۱۸۸ (۰/۲۳۰)
SIZE	۰/۰۲۰ (۰/۰۰۱)	۰/۰۲۳ (۰/۰۰۰۲)
LEV	۰/۰۱۴ (۰/۶۶۷)	۰/۰۱۱ (۰/۷۴۰)
SG	-۰/۰۳۲ (۰/۰۴۹)	-۰/۰۲۹ (۰/۰۷۶)
BTM	۰/۰۰۱ (۰/۸۸۸)	۰/۰۰۱ (۰/۸۹۵)
ضریب تعیین	۰/۵۹	۰/۵۹
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۵	۰/۵۵
آماره F (سطح معناداری F)	۱۵/۷۳۹ (۰/۰۰۰)	۱۵/۶۷۰ (۰/۰۰۰)
آماره دوربین واتسون	۷۲۶/۱	۱/۷۱۵

منبع: یافته‌های تحقیق

فرضیه فرعی دوم به بررسی رابطه بین محدودیت مالی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی پرداخته است. برای بررسی همبستگی بین پسماندها از آماره دوربین واتسون استفاده شده است. آماره دوربین واتسون ۱/۸۱۹ می‌باشد که بیانگر عدم وجود مشکل خود همبستگی بین متغیرهای پژوهش می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۲ می‌باشد، که بیانگر این است که ۳۲ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توضیح داده می‌شود. همچنین آماره F بدست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار است، بنابراین کل مدل از لحاظ آماری معنی‌دار است. نتایج آزمون این فرضیه در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

با توجه به نتایج فرضیه دوم در جدول شماره ۴ پژوهش نشان داده شد که بین محدودیت مالی به معیارهای KZ و WW و نرخ مؤثر مالیاتی در سطح ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

جدول (۴)- نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون فرضیه فرعی دوم پژوهش

متغیر وابسته: CASHERT		
نام متغیر	شاخص KZ	شاخص WW
مقدار ثابت	۰/۲۵۷ (۰/۰۰۳)	-۰/۶۱۹ (۰/۰۰۰)
Constraint	۰/۰۰۴ (۰/۰۴)	۰/۰۰۵ (۰/۰۰۰)
ROA	۰/۰۰۸ (۰/۸۸۴)	-۰/۰۰۷ (۰/۹۰۸)
ROAVOL	-۰/۰۹۰ (۰/۶۹۰)	-۰/۱۳۶ (۰/۵۴۷)
SIZE	۰/۰۲۱ (۰/۰۱۷)	۰/۰۱۷ (۰/۰۵۰)
LEV	۰۶۴/۰۶۴ (۰/۱۷۴)	۰/۰۷۲ (۰/۱۲۳)
SG	-۰/۰۵۰ (۰/۰۳۲)	-۰/۰۵۴ (۰/۰۲۲)
BTM	۰/۰۴۲ (۰/۰۰۰۴)	۰/۰۳۵ (۰/۰۰۳)
ضریب تعیین	۰/۳۶	۰/۳۸
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۲	۰/۳۳
آماره F (سطح معناداری F)	۲/۲۷۰ (۰/۰۰۰)	۲/۳۹ (۰/۰۰۰)
آماره دوربین واتسون	۱/۸۱۰	۱/۸۱۹

منبع: یافته‌های تحقیق

۸- بحث و نتیجه‌گیری

مالیات هزینه‌ای است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع، فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی در جهت کاهش مالیات پرداختی خود باشند. در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به‌منظور کاهش هزینه مالیات را با نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. رویه مالیاتی جسورانه به‌طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات اطلاق می‌شود که منابع

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد. بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (خدامی‌پور و امینی‌نیا، ۱۳۹۲).

در شرایطی که شرکت با محدودیت مالی مواجه است، یکی از راه‌هایی که می‌تواند میزان وجه نقد خود را بدون نیاز به منابع خارجی افزایش دهند، فعالیت‌های استراتژی مالیاتی جسورانه می‌باشد. صرفه‌جویی ناشی از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند منبع ارزشمندی برای ضعف مالی شرکت باشد و تأمین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد (خدامی پور و همکاران، ۱۳۹۴).

در این پژوهش ارتباط بین محدودیت‌های مالی و استراتژی مالیاتی جسورانه مورد بررسی قرار گرفته است. معیارهای متفاوتی جهت سنجش استراتژی مالیاتی جسورانه استفاده می‌شود. در این پژوهش از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی استفاده شده است.

طبق فرضیه اصلی پژوهش، پیش‌بینی شد که بین محدودیت‌های مالی و استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش، بیانگر تأیید فرضیه اصلی بود. همچنین نتایج حاکی از وجود ارتباط مثبت بین محدودیت‌های مالی و استراتژی مالیاتی جسورانه می‌باشد، به این معنی که وقتی شرکت‌ها در محدودیت مالی قرار دارند، نسبت به سایر شرکت‌هایی که دسترسی بهتری به بازار سرمایه دارند، به دلیل اینکه دسترسی به منابع مالی خارجی پر هزینه می‌باشد، انگیزه بیشتری دارند که برای تأمین منابع مالی از پرداخت مالیات اجتناب کنند. با به‌کارگیری رفتار جسورانه مالیاتی، شرکت‌هایی که از نظر مالی در محدودیت مالی قرار دارند می‌توانند وجه نقد بیشتری را صرفه‌جویی کنند و این شرکت‌ها تمایل دارند که از وجه نقد صرفه‌جویی شده برای رفع مشکل سرمایه‌گذاری استفاده کنند.

استراتژی مالیاتی جسورانه را می‌توان به عنوان یک منبع تأمین مالی برشمرد. از آنجا که منابع تأمین مالی از طریق بدهی و حقوق صاحبان سهام در روش سنتی اغلب در طول دوره‌های محدودیت‌های مالی پر هزینه‌تر و یا دسترسی به آن دشوارتر است، شرکت‌ها به‌دنبال منابع جایگزین برای سرمایه هستند. سرمایه می‌تواند از طریق استراتژی مالیاتی جسورانه با کاهش گزارش درآمد مشمول مالیات یا افزایش اعتبار مالیاتی و در نتیجه کاهش مالیات نقدی پرداختی حاصل شود. این نتیجه، مشابه نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط خدامی و همکاران (۱۳۹۴)، چن و لای (۲۰۱۲)، ادواردز و همکاران (۲۰۱۳) و ادواردز و همکاران (۲۰۱۴) است. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی، شرکت‌هایی را که دارای محدودیت‌های مالی قابل توجهی هستند با دقت بیشتری مورد حسابرسی مالیاتی قرار دهد، چرا که احتمال اجتناب مالیاتی آنها بیش از سایر شرکت‌ها است و از استراتژی جسورانه مالیاتی پیروی می‌کنند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

بنابراین آنان را در زمره شرکت‌های پر ریسک مالیاتی طبقه‌بندی می‌کند.

با توجه به نتایج این پژوهش برای پژوهش‌های آینده توصیه‌های زیر را می‌توان ارائه نمود:

– بررسی تأثیر محدودیت مالی بر استراتژی مالیاتی جسورانه با استفاده از شاخص‌های دیگر محدودیت مالی از قبیل نسبت سود تقسیمی، نسبت وجه نقد شرکت و اهرم مالی.

– از آنجایی که صرفه‌جویی هزینه ناشی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند مبلغی ارزشمند برای ضعف مالی شرکت باشد و تأمین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد. بنابراین، بررسی رابطه بین هزینه بدهی و استراتژی مالیاتی جسورانه پیشنهاد می‌شود.

– انجام پژوهش‌های آتی با استفاده از سایر معیارهای استراتژی مالیاتی جسورانه.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

فهرست منابع

۱. بحری ثالث، جمال، بهنمون، یعقوب و مددیزاده (۱۳۹۳). ویژگی‌های هیئت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۲.

۲. پورحیدری، امید و امیر سروستانی (۱۳۹۲). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات، مجله دانش حسابدری، سال چهارم، شماره ۱۲.

۳. خدامی‌پور، احمد، امینی نیا، میثم و محمد حسن فدوی (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان نگه‌داشت وجه نقد با لحاظ شرایط محدودیت مالی. مجله علمی و پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره دوم، شماره ۱، پیاپی ۴، ۶۷- ۸۲ .

۴. خدامی‌پور، احمد و میثم امینی نیا (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه. پژوهشنامه مالیات، شماره نوزدهم (مسلسل ۶۷)، ۱۳۵-۱۵۲.

۵. عرب صالحی، مهدی و مجید اشرفی (۱۳۹۰). نقش ذخایر نقدی در تعیین حساسیت سرمایه‌گذاری جریان نقدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۳ (۹)، ۷۵- ۹۴.

۶. علیزاده، امیرخادم، سارا حنجری، محمد علی امینی و امیر رسائیان (۱۳۹۴). نقدشوندگی سهام و اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن اهمیت حاکمیت شرکتی و محدودیت‌های مالی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۴، ۴۶۱- ۴۷۸.

۷. فروغی، داریوش و شکوفه محمدی (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و میزان نگه‌داشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیستم (مسلسل ۶۸)، ۱۰۱- ۱۲۲.

۸. کاشانی پور، محمد و بیژن نقی نژاد (۱۳۸۸). بررسی اثر محدودیت‌های مالی بر حساسیت نقدی وجه نقد، تحقیقات حسابداری، شماره ۲، ۷۲-۹۳.

۹. ملانظری، مهناز، ابوحمزه، مینا و محمد مهدی میرزایی عباس‌آباد (۱۳۹۵). فرهنگ سازمانی و تمکین مالیاتی شرکتی (مطالعه موردی: ادارهٔ کل امور مالیاتی مؤدیان بزرگ)، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۳، شماره ۱، ۱- ۱۸.

10. Armstrong, S. Blouin, L. F. larker (2012). Does Tax Aggressireness Reduce Corporate Transparency? Working Paper University of Pennsylvania.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

11. Arsalan, Q. Florackis, C. A. Ozkan (2006). The Role of Cash Holdings in Reducing Investment Cash Flow Sensitivity, Emerging Markets Review, 7 (4), 320-338.
12. Balakrishnan, K. Blouin, J. & W. Guay (2012). Does Tax Aggressiveness Reduce Corpotate Transparency? Working Paper, University of Pennsylvania.
13. Chen, Chen. Lai, Shufang (2012). Financial Constraint and Tax Aggressiveness. Available at www.massey.ac.nz.
14. Chyz, J.A. Ching Leung, W.S. Zhen Li, O. & O. Meng Rui (2013). Labor Unions and Tax Aggressiveness. Journal of Financial Economics, 108 (3), 675-698.
15. Chen, Y., L. Zolotoy (2014). Stock Liquidity and Corporate Tax-Avoidance: The Tale of Two Tails. Available at ssrn.com.
16. Desai, M.A, K. Dharmapala (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. The Review of Economics and Statistics, 91, 537-546.
17. Dyreng, S., Hanlon, M., & E. Maydew (2007). Long-run Corporate Tax Avoidance. The Accounting Review. 83, 61-82.
18. Edwards, Alexander, Schwab, Casey, M. Shevlin & J. Terry (2013). Financial Constraints and the Incentive for Tax Planning. Available at: http://papers.ssrn.com.
19. Edwards, Alexander. Schwab Casey, M. Shevlin, J. Terry (2014). Financial Constraints and Cash Tax Savings. Available at: http://papers.ssrn.com.
20. Lee, Choonsik. Park, Heungju (2016). Financial Constraints, Board Governance Standards, and Corporate Cash Holdings. Review of Financial Economics. 28(C), 21-34.
21. Ozkan, A. Ozkan, N. (2004). Corporate Cash Holding? An Empirical Investigation of UK Companies. Journal of Banking & Finance, 28 (9), 2103-2134.
22. Pasternak, M Rico, C. (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: some Linguistic Analysis. Akron Tax Journal, 23 (2), 34-79.
23. Richardson, G. Taylor, G. Lanis, R. (2015). The Impact of Financial Distress on

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]

Corporate Tax Avoidance Spanning the Global Financial Crisis: Evidence from Australia, Economic Modelling, 44, 44–53.

24. Siegfried, J.J. (1974). Effective Average U.S. Corporation Income Tax Rates. National Tax Journal, 27, 245-259.

25. Watts, R. L. & Zimmerman, J. L. (1986). Positive Accounting Theory. Upper Saddle River, NJ: Practice Hall.

26. Zemzem, A. Ftouhi, K. (2013). The Effects of Board of Directors' Characteristics on Tax Aggressiveness. Research Journal of Finance and Accounting, 4(4), 140-147.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-08]